تعریف تقلید. 1

**دلیل بر تعریف مرحوم اخوند. 2**

**تقلید در ضمن عمل.. 2**

**لزوم دور در صورت تعریف تقلید به نفس عمل.. 2**

**توقف امتثال جزمی بر تقلید. 2**

**ارحجیت تعریف نفس عمل مستند به قول غیر. 3**

**سازگاری هر سه تعریف با معنای لغوی.. 3**

**تقلید به معنای صرف تبعیت و پیروی.. 3**

**در احکام تقلید به معنای صرف تبعیت نیست.. 4**

***موضوع:*** اقوال در تعریف تقلید/تعریف تقلید  /اجتهاد و تقلید

# تعریف تقلید

استاد بعد از پرداختن به بحث اجتهاد و مسائل ان به بررسی بحث تقلید و مباحث ان وارد میشود. و در ابتدا تعریف تقلید را شروع میکند که مجموعا به سه تعریف از ان اکتفا میکند.

1-تعریف اخوند: ایشان در کفایه میفرماید تقلید عبارت است از اخذ به قول غیر برای عمل کردن[[1]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftn1). اخذ به معنای گرفتن است و گرفتن هر چیزی به حسب خودش است گاهی اخذ در امور خارجی است مانند گرفتن درهم و گاهی هم در گرفتن فتوای مجتهد از خود او و یاد گرفتن ان است و گاهی هم گرفتن رساله است و از رساله فتوای مجتهد را یاد میگرید به هر حال گرفتن هر چیزی به حسب خودش است. کلمه اخذ ریشه روایی دارد مانند روایت یونس بن عبد الرحمن که در ان امده است آخذ معالم دینی.

2-تعریف مرحوم خویی: در کتاب تنقیح تقلید را به معنای نفس عمل معنا میکند یعنی تقلید عبارت است از عمل به قول غیر در حالی که عملش مستند به قول غیر است[[2]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftn2) بنا بر این اگر مجرد مطابق عمل به قول غیر باشد تقلید به شمار نمیاید بلکه باید رد تقلید عمل مستند به قول غیر است.

3-تعریف شیخ انصاری[[3]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftn3) و مرحوم سید یزدی[[4]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftn4): این دو بزرگوار تقلید را به معنای التزام به قول غیر معنا کرده اند و ان را  به معنای بنا گذاری گرفته اند. البته با معنای اول که معنای اخذ است متفاوت است زیرا در اخذ یه چیزی گرفته شده است ولی در معنای سوم صرف التزام است و لو اینکه چیزی هم گرفته نشده باشد. شاید منظور مرحوم اخوند در کفایه همین معنای سوم باشد همان طوری که بعضی به مرحوم اخوند نسبت داده اند. زیرا مرحوم اخوند این معنای سوم را ذکر نکرده است بلکه فقط قول مقابل را که نفس عمل است را اورده است بنا بر این احتمال دارد که منظور اخوند همین معنای سوم باشد.

## دلیل بر تعریف مرحوم اخوند

ایشان میفرماید معنای تقلید نمیتواند نفس عملی که مستند به قول غیر باشد زیرا در این صورت باید اولین عمل بدون تقلید باشد چون همیشه عمل ناشی از تقلید است در حالی که عمل بدون تقلید باطل است. اما اگر تقلید به معنای اخذ باشد چنین مشکلی پیش نمیاید زیرا اخذ مقدم بر عمل است.

## تقلید در ضمن عمل

لازم نیست که همیشه تقلید مقدم بر عمل باشد بلکه اگر تقلید با عمل همراه باشد و طوامان هم باشد کفایت میکند فلذا این که مرحوم اخوند به خاطر این محذور قائل به اخذ شده است درست نیست چون محذوری از تعریف تقلید به نفس عمل مستند به قول غیر لازم نمیاید.

## لزوم دور در صورت تعریف تقلید به نفس عمل

بعضی گفته اند که اگر تقلید به معنای نفس عمل مستند به قول غیر باشد در اعمال عبادی محذور دور پیش میاید زیرا مشروعیت عبادت متوقف بر تقلید است یعنی اگر تقلید نباشد ان عبادت مشروعیت ندارد بلکه تشریع است زیرا مستندی ندارد که از سوی شارع است و از طرفی اگر تقلید به معنای نفس عمل باشد در حقیقت در این جا نفس عمل همان عمل عبادی است و مشروعیت ان عمل عبادی متوقف بر خود ان عمل است و دور لازم میاید

## توقف امتثال جزمی بر تقلید

چیزی که مشروعیت عبادت متوقف بر ان است در حقیقت همان امتثال جزمی است یعنی اگر عامی بخواهد عمل را مستند به شارع کند و قصد امر جزمی کند باید تقلید کند ولی بحث ما ربطی به امتثال جزمی ندارد بلکه بحث ما درباره تقلید است. بلکه گفته شده که در عبادات به قصد امر جزمی هم نیازی نیست فلذا اگر کسی عملی را رجاء به جا اورد و بعد معلوم شد که امر دارد ان عمل صحیح است.

## ارحجیت تعریف نفس عمل مستند به قول غیر

حال که از هیچ کدام از تعاریف فوق محذوری لازم نیامد این بحث به وجود میاید که کدام یک از تعاریف فوق ارحجیت دارد؟ مرحوم خویی میفرماید تعریف تقلید به نفس عمل مستند به قول غیر ارجیت دارد زیرا هم موید از لغت و هم از روایت و هم از ارتکازات عرفیه دارد.

موید لغوی عبارت است از اینکه لغویون تقلید را در لغت به معنای قرار دادن قلاده بر گردن غیر معنا کرده اند و در بحث ما نیز وقتی که عامی از مجتهد تقلید میکند در حقیقت مسوولیت عمل خود را بر گردن مجتهد میاندازد فلذا از لحاظ لغت این تعریف انسب است. ولی در تعاریف دیگر مانند التزام، بالعکس است یعنی وقتی کسی التزام پیدا میکند که از کسی تقلید کند در حقیقت اوست که قلاده را بر گردن میاندازد.[[5]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftn5)

## سازگاری هر سه تعریف با معنای لغوی

اینکه مرحوم خویی میفرماید تعریف به نفس عمل به معنای لغوی نزدیک است ادعای درستی نیست و بهتر است که بگوییم معنای این کلام را نفهمیدیم زیرا مرحوم شیخ انصاری نیز که تقلید را به معنای التزام میگرد همین ادعا را دارد که التزام به معنای لغوی نزدیکتر است. اما در حقیقت هر سه تعریف ذکر شده به معنای لغوی نزدیک است زیرا در تعریف تقلید به اخذ قول غیر برای عمل نیز این معنای لغوی وجود دارد یعنی عامی قول غیر را اخذ میکند تا به ان عمل کند و مسوولیت کار خودش را به گردن مجتهد موکول کند و هکذا در تعریف التزام. بنا بر این ادعای مرحوم خویی درست نیست که یک تعریف به معنای لغوی نزدیک باشد و تعاریف دیگر از معنای لغوی بعید باشد. بله قبول داریم که تعریف تقلید به نفس عمل نسبت به معنای لغوی واضح تر است ولی به این معنا نیست که بقیه تعاریف از معنای لغوی بعید است.

## تقلید به معنای صرف تبعیت و پیروی

بعضی تقلید را به معنای صرف تبعیت دانسته اند بدون اینکه مسوولیت کار خود را به گردن دیگری بیاندازند مثلا کسی که در صدا تقلید میکند و یا کسی در کیفیت تدریس از کسی تقلید میکند و یا  غیر ذی شعوری از طفلی تقلید میکند در این مثال ها معنای تقلیدی که گفته شد وجود ندارد پس معلوم است که تقلید به معنای صرف تبعیت است.

## در احکام تقلید به معنای صرف تبعیت نیست

اگر قبول کنیم که این مثال ها از باب تبعیت صرف است ولی در بحث ما که تقلید در احکام است تقلید به معنای تبعیت صرف نیست بلکه تبعیتی است که در ضمن ان مسوولیت عمل نیز به گردن مجتهد انداخته میشود.

اما موید از روایت و ارتکازات عرفیه در جلسه اینده خواهد امد

[[1]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftnref1) کفایه الاصول ص 472

[[2]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftnref2) التنقیح ج 1 ص 125

[[3]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftnref3) الاجتهاد و التقلید ص 46

[[4]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftnref4) العروه الوثقی ج 1 ص 5

[[5]](file:///C:\mfeb.ir\U1mg1_13960904-029_mb1_mfeb.ir.docx#_ftnref5) التنقیح فی شرح العروة الوثقی چ 1 ص 125